

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه، ۰۷ مارچ ۲۰۲۲

دوکتور نوراحمد خالدي

افغانستان: امروز و فردا!

قسمت سوم

طالبان و حقوق اساسی مردم بشمول حقوق زنان:

با وجود فشار جامعه جهانی و تقاضاهای پیهم روشنفکران افغانستان، بجز از وعده های میان تهی، هیچ تغییری در روش طالبان در مقابل حقوق زنان وارد نشده است. از نظر طالبان اختلاط زن و مرد در جامعه جایز نیست به این اساس خطر جدی وجود دارد که اصل جدایی زنان از مردان یا به عبارۀ اپرتاید جنسیتی در زیر حاکمیت طالبان در افغانستان به روش زندگی روزمره مبدل گردد. طوریکه در بالا آمد به گفته بعضی ملامهای طالبان، جدایی زنان و دختران از پسران و مردان در مکاتب ثانوی، پوهنتونها و موسسات تعلیمات عالی، ادارات و سایر مراکز کار باید عملی شود و زنان و مردان در اوقات متفاوت در این مراکز به تحصیل و کار به پردازند. ، این برداشت طالبان نه ریشه در احکام شریعت اسلامی دارد و نه با ارزشهای پشتونوالی و سازگاری دارد. در اسلام زنان آزاد اند در صفوف آخر مساجد یکجا با مردان نماز بخوانند. زنان در جنگهای زمان پیغمبر اسلام شرکت داشته اند. زنان همراه با شوهران خود و یا به تنهایی در مجالس به حضور پیغمبر حاضر شده اند. در اصول پشتونولی و در تعامل دهات پشتون نشین افغانستان زنان در جدایی کامل از مردان بسر نمی برند.

بیا باید وضعیت مواد شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر را در زیر حاکمیت طالبان در افغانستان بررسی کنیم:

۱. **تمام انسانها آزاد و مساوی خلق شده اند:** آیا طالبان به این اصل معتقد هستند؟ نخیر. برای طالبان به گفته مولوی عبدالحق حماد در مصاحبه برنامه فرایر تلویزیون طلوع زنان در داخل خانه

آزاد هستند و مردان در بیرون از خانه، زنان حق ندارند در مقام رییس دولت و در مقام قاضی در مسائل حدود و وظیفه اجرا کنند.

۲. **آزادی از تبعیض:** آیا تمام مردم افغانستان بدون تبعیض در برابر دولت امارت اسلامی حقوق مساوی دارند؟ نخیر. مشاهده میشود که قشر روحانی، ملاها و مولوی ها، از امتیازات بیشتری برخوردار بوده و در گماشتن به مقامات اداری در صف اول قرار دارند.

۳. **حق زندگی:** در این مورد نظر مخالفی از طالبان نشنیده ام.

۴. **آزادی از بردگی (غلامی):** آیا طالبان مخالف بردگی یا غلامی هستند؟ در این مورد کدام حکمی از جانب طالبان موجود نیست. در دوران حاکمیت داعش در غرب عراق و مناطق شرقی سوریه بردگی دوباره به سیاست رسمی داعشیان بخصوص در مقابل زنان یزدی مبدل شده بود و یکتعداد از علمای دین اسلام معتقد بودند که در اسلام بردگی حرام نشده است. البته احادیث متعددی در باره ثواب برای آزاد کردن بردگان موجود است اما هیچ آیه و حدیثی در قسمت حرام بودن بردگی در اسلام صادر نشده است.

۵. **ممانعت از شکنجه:** قوانین اساسی سابقه افغانستان برخورد خلاف کرامت انسانی را در برابر زندانیان ممنوع کرده بود. اعمال خلاف کرامت انسانی شامل دره زدن، قطع کردن اعضای بدن مانند دست و پا و غیره میباشد. برای طالبان شکنجه کردن متهمین، مجرمین و زندانیان با دره زدن، قطع کردن اعضای بدن مانند دست و پا و غیره جایز و به مثابه احکام شرعی روا میباشد.

۶. **حق مساوی هر انسان برای شناخت در برابر قانون:** قانون باید به هر شخص حق دفاع، حق تبارز، حق عمل بدهد. طالبان زنان را از حق بیرون رفتن از خانه و مسافرت بدون محرم و سوار شدن در تکسی بدون محرم منع کرده اند.

۷. **مساوات در برابر قانون:** برای طالبان زنان و اقلیتهای مذهبی در برابر قانون حقوق مساوی ندارند.

۸. **حق جبران خساره:** در این مورد نظر مخالفی از طالبان نشنیده ام.

۹. **جلوگیری از توقیف ناجایز:** در زیر حاکمیت طالبان هیچ قانونی از مانع توقیف خودسرانه مردم توسط سربازان طالبان و پولیس امر به معروف و نهی از منکر نمیگردد.

۱۰. **حق محاکمه عادلانه:** این اصل در اسلام موجود است هرگاه طالبان به آن عمل نمایند.

۱۱. **بیگناهی قبل از ثبوت جرم:** آیا در احکام قضایی مطابق شریعت اسلامی مدعی مسولیت ثبوت

جرم متهم را دارد و یا متهم باید بیگناهی خود را ثابت نماید؟

۱۲. **حق محرمیت:** در این مورد نظر مخالفی از طالبان نشنیده ام.
۱۳. **آزادی حرکت و مسافرت:** طالبان این حق را از زنان افغانستان گرفته اند.
۱۴. **حق پناهندگی:** در این مورد نظر مخالفی از طالبان نشنیده ام.
۱۵. **حق تابعیت:** در قوانین اساسی سابقه افغانستان حق تابعیت برای اتباع افغانستان مصون بود و هیچ افغان از حق تابعیت محروم نمی گردید. در این مورد نظر مخالفی از طالبان نشنیده ام.
۱۶. **حق ازدواج و تشکیل خانواده:** در این مورد نظر مخالفی از طالبان نشنیده ام.
۱۷. **حق داشتن ملکیت و جایزه:** در این مورد نظر مخالفی از طالبان نشنیده ام.
۱۸. **آزادی دین و عقیده:** طالبان این اصل را برسمیت نمی شناسند. در حالیکه پیروی از احکام شریعت "روش زندگی" اختیاری یک مسلمان را تشکیل میدهد. خوب و بد ثواب و گناه که به شخص ثالث ضرر نرساند موضوع شخصی بوده پاداش و جزا در برابر اعمال انسان مربوط به خالق یکتا در روز آخرت است. اما بر اساس گفته های ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان یک مسلمان وقتی کلمه خواند مجبور به اطاعت و اجرای احکام شریعت میباشد و نمیتواند به میل خود عمل نماید.
- در این مورد پروفیسور زمان ستانیزی استاد الهیات در پوهنتون کالیفورنیا چنین مینویسد:
- در اسلام جبر و اکراه نیست
- لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ
- سوره بقره، آیه ۲۵۶
- در اسلام مسؤلت انفرادی است نه جمعی
- وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى
- سوره انعام، آیه ۱۶۴
- در اسلام تعهد به اعتقاد نه جبری است و نه منطقی چون خلاف اصل ایمان واقع می شود.
- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَدَّوْا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا
- کسانی که ایمان آوردند سپس کافر شدند و باز ایمان آوردند سپس کافر شدند آنگاه به کفر خود افزودند
- قطعا خدا آنان را نخواهد بخشید و راهی به ایشان نخواهد نمود
- سوره نساء، آیه ۱۳۷
۱۹. **آزادی بیان:** در این مورد نظر مخالفی از طالبان نشنیده ام. تاکنون طالبان ابراز نظر مخالفان را تحمل کرده اند.

۲۰. **آزادی اجتماعات و تشکیل اتحادیه ها و احزاب:** طالبان این اصل را برسمیت نشناخته به پلورالیزم سیاسی عقیده ندارند. ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان موجودیت تنظیمها و احزاب را در دولت جمهوری اسلامی به مثابه یک امر مخالف وحدت ملی ملت افغانستان مورد سرزنش قرار داد و عدم موجودیت آنها را بعد از ایجاد مجدد دولت امارت اسلامی به حیث یک پدیده مثبت تعریف نمود.

۲۱. **حق برخورداری از حمایت تأمینات اجتماعی:** مطابق این حق دولت مجبور است امکانات امرار زندگی را برای بیکاران، متقاعدین، افراد کهن سال، افراد کم عاید و بی عاید، معیوبین، اطفال بی بضاعت و غیره فراهم نماید. در حالیکه به نظر طالبان این مسایل به میثت الهی مربوط است نه دولت.

۲۲. **حق کار:** متأسفانه طالبان حق کار کردن خارج از منزل را از زنان گرفته اند. صرف یکتعداد محدود زنان اجازه یافته اند آنهم نظر به مجبوریتهای است که طالبان نمیتوانند آنها را نادیده بگیرند.

۲۳. **حق استراحت و تفریح:** طالبان موسیقی و سایر هنرها را حرام اعلام کرده اند. همچنان بسیاری از بازیهای ورزشی ممنوع اند و بخصوص زنان اجازه ندارند در هنر و ورزش سهم بگیرند.

۲۴. **حق داشتن یک معیار لازم زندگی:** دولتها مسولیت دارند برای مردم خود حد اقل معیار زندگی مناسب عصر را فراهم نمایند. برای طالبان این اصل قابل قبول نیست. به گفته رییس الوزرای دولت امارت اسلامی این موضوع به میثت الهی بستگی دارد.

۲۵. **حق تعلیم و تربیه:** طالبان حق تعلیم و تربیه را برای دختران و زنان برسمیت نمیشناسند. در دور اول حکومت آنها زنان از این حق محروم بودند و در شش ماه گذشته نیز دولت امارت اسلامی به شاگردان اناث مکاتب ثانوی و محصلان تعلیمات عالی اجازه نداده اند تا به دروس خود ادامه دهند.

۲۶. **حق فعالیت‌های فرهنگی، هنری، و علمی:** طالبان موسیقی و سایر هنرها را حرام اعلام کرده اند. به گفته مقامات طالبان آنها نصاب درسی مکاتب و پوهنتونها را مطابق ارزشهای فکری خود تغییر خواهند داد. بر اساس هدایاتیکه به مکاتب داده شده بسیاری مضامین هنر، فرهنگ و علوم طبیعی و ورزش حذف شده و به عوض آنها به تعلیمات دینی افزوده شده است. قرار است به شاگردان مکاتب مضمون جهاد درس داده شود. همچنان خطر آن موجود است که مضامین اجتماعی و طبیعی در موسسات تعلیمات عالی که مخالف ارزشهای فکری طالبان تلقی کردند حذف یا تحریف گردند.

فردا چگونه خواهد بود؟

آنچه امروز بر مردم افغانستان می گذرد ادامه مبارزه صدساله علم و جهل است. مبارزه ترقی در برابر عقب گرایی، تجدد در برابر کهنه پرستی، ارزشهای شهری در مقابل ارزشهای دهاتی است. این دایره شیطانی با مخالفت مرتجعین برضد نهضت ترقیخواهانه امانی در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۲۹م آغاز گردید و تا امروز به اشکال گوناگون ادامه دارد. امروز این مبارزه مرتجعین به هیچصورت مبارزه قومی، زبانی، طبقاتی و ضد بی عدالتی های اجتماعی و سیاسی منجمله بر ضد ستم ملی نیست، همانطوریکه صد سال قبل نبود. قیامهای، ملای لنگ در جنوبی، روحانیون پشتون در شینوار، حبیب الله کلکانی در شمالی، مجاهدین برضد حکومتهای خلق و پرچم و طالبان برضد انارشی مجاهدین و دولت جمهوری اسلامی همه در جوهر خود خصلت ایدئولوژیک ارتجاعی ضد ترقی و ضد تجدد طلبی داشتند باوجودیکه در عین زمان قیامهای مجاهدین در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۹۲م و طالبان از عناصر ملی گرایی نیز برخوردار بودند. نباید فراموش کرد به همان پیمان که احزاب خلق و پرچم وابسته به حزب کمونیست اتحاد شوروی بودند، گروههای هفت گانه و هشتگانه مجاهدین نیز وابستگی به استخبارات پاکستان، امریکا و ایران داشتند. همچنان، به هرپیمانه که طالبان جنگ ۲۰ ساله خود را برضد اشغال خارجی تعریف نماید، به همان پیمان که هم تشکل تحریک طالبان و ادامه قیام آنها با سرمایهگذاری و حمایت بیدریغ استابلشمنت پاکستان به پیروزی رسیده است. همه این قیامها مخالف برنامه های روشنفکرانه برای همگام نمودن افغانستان با کاروان ترقی و تمدن عصر بوده بازگشت به انفاذ حاکمیت تحت اللفظی شریعت سالهای اولیه اسلامی را بدون توجه به نیازمندیهای عصر حاضر و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و صنعتی که طی این یکهزار و پنجصد سال صورت گرفته است، تبلیغ مینمایند. بازنده اصلی در این جدال علم و جهل مردم افغانستان میباشد که فرسخ ها از کاروان ترقی و تمدن جهان عقب نگهداشته شدند و خطر آن موجود است که هرگز نتوانیم به این کاروان در آینده نزدیک شویم.

آیا این بار مبارزه علم و جهل، ترقی و عقب گرایی، تجدد و کهنه پرستی، ارزشهای شهری در مقابل ارزشهای دهاتی، به ضرر علم، ترقی، تجدد، و ارزشهای شهری خاتمه یافته است. هرگاه چنین باوری نزد ما موجود باشد در آنصورت ما به سیر تکامل صعودی انسان و جوامع انسانی بی اعتقاد خواهیم بود. یک روشنفکر هرگز اجازه ندارد چنین به اندیشد. یک روشنفکر، یک درس خوانده، کسیکه به علم معاصر مجهز است نباید بخاطر تعلقات قومی، زبانی و سمتی، و بخصوص تنها به

دلیل اینکه مخالفین عقیدتی او را طالبان متواری کرده اند، به دلیل بعضی خصلت‌های ملی‌گرایی از ارتجاع حمایت نماید. من معتقدم که:

- هرگاه طالبان با برداشتهای غیر علمی، ناقص و متحجر خود از احکام شریعت اسلامی مردم را از حقوق انسانی و بشری آنها همچنان محروم نگهدارند؛
 - هرگاه طالبان زنان افغانستان را به غلامهای حلقه به گوش محارم مرد مبدل کرده از حق تعلیم و کار محروم نموده از جامعه تجرید نموده خانه نشین نمایند؛
 - هرگاه طالبان مردم را از حق تشکیل اجتماعات، احزاب و سازمانهای سیاسی محروم نمایند؛
 - هرگاه طالبان مشروعیت حکومتداری خود را از مردم حاصل نکنند؛
 - هرگاه طالبان به ادارهٔ ملکی و نظامی کشور بدست ملاها و طالبان ادامه داده سایر اقشار کشور را از آن محروم سازند؛ و
 - هرگاه طالبان مردم را در تعیین حکومت، نظارت از حکومت و تصویب قوانین از طریق یک شورای ملی انتخابی شریک نسازند؛
- در آنصورت حاکمیت آنها عمر کوتاهی خواهد داشت.